

پرده نقره‌ای

گوهر خیر اندیش: مهم نیست ممنوع‌الکار شوم!



گوهر خیر اندیش به حواشی سریال «زیر خاکی» واکنش نشان داد، وی در صفحه شخصی خود نوشت:

«سلام عزیزانم... خوشحالم که مسئولان ذریبط با درایت و هوشمندی به حاشیه‌ها اهمیت ندادند و سریال «زیر خاکی» پس از ماه‌ها تلاش با حضور ۱۵۰ نفر عوامل زحمت کش و هنرمند در این شب‌ها بروی آنتن می‌رود. بیابیم همگی همت و توان خود را صرف برداشتن باری از دوش و جان و روان مردمی کنیم که در این روزهای بحرانی و پر مشکل نیاز به کمک و همدلی و تقویت روحیه دارند. امیدوارم این سریال بتواند در چنین روزهای متلاطمی در مردماندگی شوق، شادی و امید ایجاد کند و من هم سهمی در ایجاد این احساسات مثبت داشته باشم. به جای حاشیه‌سازی بیابیم همه همین را برای جامعه نیاز مندمان آرزو کنیم. مهم نیست که من ممنوع‌الکار شوم یا بشوم، چه خوب است که نسبت به کسانی که با ناآگاهی و بدون عاقبت‌اندیشی با انتشار عکس و فیلم به حریم خصوصی دیگران تجاوز می‌کنند واکنش نشان داده‌و آنها را محکوم کنیم.»

لطیفی: احتمال هر خطایی در اکران آنلاین هست



کارگردان فیلم سینمایی «مرد نقره‌ای» درباره احتمال اکران یا عدم اکران آنلاین این اثر سینمایی توضیحاتی ارائه کرد. محمدحسین لطیفی کارگردان این فیلم سینمایی درباره احتمال اکران آنلاین آن، با توجه به تعطیلی سینماها، اظهار کرد: در این شرایط شیوع بیماری کرونا و تعطیلی سینماها، آقای حاتمی کیابه عنوان اولین نفر پیشقدم شد، اما شرایط اکران آنلاین قدری سخت است. او با اشاره به اهداف تولید «مرد نقره‌ای» گفت: عوامل فیلم مردانه ایستادند و یک اثر کامل ملی را با موضوع غرور و افتخار ملی و قداست پرچم، ساختند و سعی کردند با تمام مشکلات، بهترین کار را تحویل دهند البته اگر حمایت‌های بهتری هم می‌شد، قطعاً کار بهتر از این هم می‌شد. این کارگردان سینما و تلویزیون ادامه داد: با وجود تمام تلاش‌ها به دلیل مشکلات بیماری، ما و دیگر سینماگران از اکران جامانده‌ایم این در حالی است که سرمایه‌باید در گردش باشد و اگر فیلم اکران نشود و سرمایه آن بزرگردد، چرخه تولید آثار هنری معیوب می‌شود. لطیفی با اشاره به ۲۸ سال سابقه فعالیتش در حوزه سینما و تلویزیون و با انتقاد از عدم حمایت از «مرد نقره‌ای» در مرحله ساخت، گفت: همیشه برایم جای سوال بوده که چرا بودجه‌ها در برخی بخش‌های سینمایی صرف آثار می‌شود که عموماً باعث خجالت مدیران می‌شود. نمونه‌های این امر را در سال‌های گذشته در اوج و فراری شاهد بودیم که برخی آثار با وجود حمایت‌های صد درصدی اصلاً اکران نشده‌اند، چرا که شایسته اکران نبوده‌اند. او در پایان تصریح کرد: در اکران اینترنتی احتمال همه جور خطایی می‌رود. اینکه چه کسی کار را ضمانت می‌کند و تا چه میزان هم ضمانت می‌کند، از مسائل مهم است و لذا اگر بخواهیم بی‌محابا عمل کنیم، شاید کار مناسبی نباشد و بهتر است فعلاً صبر کنیم.

بهرام توکلی فیلم



حیب ایل بیگی قائم مقام بنیاد فرآبی از ساخت پروژه مشترک «اقبال لاهوری» با پاکستان به کارگردانی بهرام توکلی خبر داد. وی گفت: «بهرام توکلی به‌ویژه تجربه ساخت فیلم موفق «تنگه‌ایوبو قریب» و همکاری با سعید ملکان در ساخت فیلم «روز صفر» را دارد، ضمن آن که معتمد که ساخت فیلم «غلامرضا تختی» از نظر شرایط تولید، تجربه‌های جدید برای سینمای ایران بود که به تجارب «بهرام توکلی» اضافه کرد. البته ما می‌توانستیم برای ساخت این فیلم از کارگردانان مجرب و قدیمی دعوت به کار کنیم اما واقعیت این بود که جوان بودن و پرور بودن، یکی از نکات مهمی بود که برای ما اولویت داشت.

تحلیل گفتمانی فیلم‌های محبوب این روزهای ایرانی ها
اختلاف طبقاتی، مضمون مورد علاقه ایرانی‌ها در قرنطینه



ایمان عبدلی

گفته‌اند جهان، پس از کرونا با جهان پیش از کرونا تفاوت‌های عمده‌ای خواهد شد. شاید این بحث داغ میان نئولیبرال‌ها و چپ‌ها را هم شنیده باشید، به گمان چپ‌ها این لجام گسیختگی اقتصادی کرونا و این بی‌پشتوانگی خصوصاً اقشار ضعیف در بحران کرونا نتیجه سیاست‌های انبساطی نئولیبرالیسم در تمام‌دنیاست. از آن طرف لیبرال‌ها هم انگشت اتهام را به سمت چپ‌ها و نمود واضح و عینی آن یعنی چین گرفته‌اند، حتی برخی کرونا را ویروس چینی نام گذاشتند. قرار نبود مقدمه انقصر طولانی شود اما برای ورود به بحث محبوبیت

فیلم‌هایی نظیر «انگل» و «پلتفرم» که این روزها توسط کاربران ایرانی شبکه‌های اجتماعی به میزان قابل توجهی توصیه می‌شود، این مقدمه واجب بود. کم‌این که به طور واضح وجه اشتراک هر دو فیلم و اساساً فیلم‌هایی این چنینی مساله «اختلاف طبقاتی» است. در جهان سوم عمیق‌تر و وسیع‌تر و در کشورهای توسعه‌یافته‌ها آثاری نظیر همین ساخته آخر کن لوچ؛ «متاسفیم، جاماندی»، تقاضای مخاطب برای مصرف آثاری بادرین مایه اختلاف طبقاتی روجه فزونی ست. اگر فرض بگیریم که راه‌یاد در حال گذر از پیک کروناست و در ایران هم وضعیت شیوع ویروس، نزولی شده،

حالا کم کم می‌شود که دوران پساکرونا حرف زد. خب محبوبیت فیلم‌هایی نظیر «انگل» و «پلتفرم» نشانه‌ی یک دوران تازه است. پس از بحران، زمانه تحول خواهد بود. ماسک‌ها شاید برای کنترل ویروس کنار بروند، اما احتمالاً ماه‌ها بعد برای معترضان عاصی از فشار اقتصادی کار کردی امنیتی خواهند داشت.

پلتفرم

این نشانه‌دارترین فیلم این سبب است. فیلم از همان بوسترش‌واز همان طرح گرافیکی که نام فیلم‌روی آن حک شده، نوعی ساختار عمودی را با تأکید گوشه‌زد می‌کند. واژه‌ها طبقاتی هستند و از بالا به پایین چیده شدند. در فیلم با ساختاری مواجیم که ۳۳۳ طبقه دارد

و ساکنین طبقات زیرین از گرسنگی تلف شده‌اند. در فیلم حتی مدفوع و ادرار کار کردی طبقاتی دارند، یعنی افراد مستقر در طبقات بالا می‌توانند، زوائد خود را بر پایی‌ها آوار کنند، اما پایی‌ها نمی‌توانند. چون آن‌ها اساساً در ساختار عمودی جغرافیای داستان هیچ حقی ندارند. «پلتفرم» نشانه‌های اعتراضی زیادی علیه تمام هنجارهای ناعادلانه و مستقر در دنیا دارد. مثل کار کردی کارکنان پست در فیلم، یا کار کردی ترس در فیلم که بیشتر ماهیتی استعاره‌ای و ظریف و زیرین دارد. یعنی ترس فیلم از جنس ترس‌های هیجانی آثاری چون «حضر» نیست. این‌جا ترس بیشتر به سمت ناخودآگاه هجوم می‌برد تا تأثیر بلندمدتی از لحاظ زمانی داشته باشد. «پلتفرم» در جایی میان کشف و شهود برای مخاطب نرمال سینما ایستاده و به نوعی حسی از تیزبینی به مخاطبش می‌دهد. گویی مخاطب کمتر حرف‌های، احساسی از تسلط نسبی بر زبان فیلم‌پیدای می‌کند.

انگل

فکرش را کنید، فیلمی از گره در ایران محبوب می‌شود و البته که این فقط مربوط به جایزه اسکار و گلدن گلوب آن، نیست. این بار در لایه‌ی روایی با فیلمی کم‌دی طرفیم که موقعیت‌های گروتسک قابل توجهی می‌سازد. در داستانی که جفت و بست درست و حسابی هم دارد ما شاهد نفوذ نرم و خزنده یک خانواده فقیر به درون خانه یک خانواده ثروتمند هستیم. در واقع در «انگل» دو طرف

داستان و مرزبندی میان آن‌ها دائماً در رفت و برگشتی هنرمندانه کم‌رنگ و پررنگ می‌شود. زبان نشانه‌ها البته در انگل هم پررنگ است، مثلاً سکانس سرریز آب به‌خانه‌ی خانواده فقیر کاملاً مهندسی شده و جایگاه فقر را تبیین می‌کند. از آن طرف مثلاً معماری خانه خانواده ثروتمند مکعبی و پراز تقاطع است، نوعی قطعیت و اطمینان و اعتماد به نفس را تأکید می‌کند. نوع شخصیت پردازی‌ها البته کمی میل به خانواده فقیر دارد و در واقع مخاطب تا قبل از چند دقیقه پایانی تا مداد لنگر و دلواپس خانواده فقیر داستان است. مثل آن سکانس قایم باشک‌بازی شبانه با مرد و زن ثروتمند که روی کاناپه مشغول مهرورزی هستند و البته نمادین‌ترین جغرافیای داستان که آن زیرزمین است و بعد تر بازی سورئال با نور که جلوه‌های مفهومی هم در دل خودش دارد. «انگل» اگر در ۱۰ دقیقه پایانی تار آنتینوی و دولحنی نمی‌شد، مقتدرترین فیلم این سبب بود.

متاسفیم، جاماندی

رسیدیم به منسجم‌ترین فیلم این فهرست، کن لوچ اساساً این کاره است و همین دو سال پیش با اثری مشابه؛ «انسیل بلیک»، نبض کار را گرفته بود. این بار با شرح غم‌باری از وضعیت افتضاح مالی یک خانواده بریتانیایی مواجهیم. پدر به‌ر دست و پای می‌زند، بیشتر در تگل فرو می‌رود و وضع مادر هم که پرستار سال‌مندان است، بهتر از این نیست. فیلم تا حد زیادی عاری از نشانه است و خیلی صریح و در تار و



صفحه‌بندی شد. برخی با کنایه به‌عکس‌العمل پرویز پرستویی و سام درخشانی، به نوعی از سحر قریشی حمایت کردند. هانیه توسلی، مهرآه شریفی‌نیا، علی شادمان، مهدی کوشکی، ریحانه پارسا، امیرنوری، سیاوش خیرابی، فریبانادری و نازنین فراهانی با انتشار پست‌هایی کنایه‌دار با صریح از اظهار نظر پرویز پرستویی و سام درخشانی اظهار

دسته‌بندی کمی کهن اما همچنان مرسوم فضای سیاسی ایرانی است. آبیار، روزی پس از موفقیت همین فیلم آتش گرفته بود: «من سسر در نمی‌یام. هیچکدام از فیلم‌های من با بودجه دولتی به آن معنا نبوده است. تنها بخشی از فیلم «شیار ۱۴۳» را با کمک لجستیک مس سرچشمه ساختم. بخشی از فیلم «نفس» را هم با حمایت فارابی ساختیم. بسیاری از دوستان با بودجه دولتی فیلم می‌سازند بسیاری انتقاد می‌کنند که این بودجه دولتی است. اگر با بخش خصوصی هم همکاری کنند باز انتقاد می‌کنند. می‌خواهم بگویم که باید این حرف‌ها را راه کنیم. مهم خروجی کار است که چه فیلمی ساخته می‌شود. ما تمام تلاشمان را می‌کنیم که فیلم خوبی ساخته می‌شود. بخش اقتصادی به کارگردان و بازیگران ارتباطی ندارد. تا حدی تهیه‌کننده باید پاسخگو باشد. من به عنوان کارگردان تمام تلاشم را می‌کنم که هنر کارگردانی را

دسته‌بندی کمی کهن اما همچنان مرسوم فضای سیاسی ایرانی است. آبیار، روزی پس از موفقیت همین فیلم آتش گرفته بود: «من سسر در نمی‌یام. هیچکدام از فیلم‌های من با بودجه دولتی به آن معنا نبوده است. تنها بخشی از فیلم «شیار ۱۴۳» را با کمک لجستیک مس سرچشمه ساختم. بخشی از فیلم «نفس» را هم با حمایت فارابی ساختیم. بسیاری از دوستان با بودجه دولتی فیلم می‌سازند بسیاری انتقاد می‌کنند که این بودجه دولتی است. اگر با بخش خصوصی هم همکاری کنند باز انتقاد می‌کنند. می‌خواهم بگویم که باید این حرف‌ها را راه کنیم. مهم خروجی کار است که چه فیلمی ساخته می‌شود. ما تمام تلاشمان را می‌کنیم که فیلم خوبی ساخته می‌شود. بخش اقتصادی به کارگردان و بازیگران ارتباطی ندارد. تا حدی تهیه‌کننده باید پاسخگو باشد. من به عنوان کارگردان تمام تلاشم را می‌کنم که هنر کارگردانی را



حمله به نرگس آبیار بابت یک سرمایه‌گذار مشکوک

که جایزه فجر را برده، کاندید هنرمند سال جشن هنر شده بود و باقی ماجراها. حضور دائمی آبیار در موقعیت‌های مختلف آن تعریف‌فالی - ابدی غلامحسین ساعدی از مفهوم «شبه‌هنرمند» را به ذهن متبادر می‌کند. ساعدی مختصات شبه‌هنرمند را این گونه تعریف می‌کرد که علاقه دائمی به جایزه گرفتن دارد، در برابر تحفه‌های رسیده گرنش می‌کند، دائم حضور دارد، چون نانش از حضور درمی‌آید و چیزهایی دیگر که قابل نوشتن نیست! آبیار در تمام این سسال‌ها تلاش می‌کرد نماد و نشانی غیر واقعی از پیوند میان «زن» و «هنر پیشرو» باشد، نمادسازی ناموفقی که هم چوب راست را خورده و هم چماق چپ را منظور از چپ و راست البته همان

اگر گمان می‌کنید این غائله محمد امامی به این زودی‌ها از صدر اخبار خواهد افتاد، اشتباه می‌کنید، پرده‌ای افتاده که پشت آن خیرها بوده و البته که چقدر هم خوب. همین روز گذشته بود که روزنامه شرق با محمد امامی گفتگویی مفصل داشت و او سعی کرد خودش را تبرئه کند. اصلاً رسانه هست که پرده برانداز و سوراخ کند. طی روزهای گذشته اعلام فهرست فیلم‌هایی که تحت حمایت محمد امامی بوده‌اند جنجالی تازه‌ای ایجاد کرد؛ «ابد و یک روز»، «مغزهای کوچک زنگ‌زده» و البته «شبی که ماه کامل شد». این آخری اما جنجالی‌ترین مورد فهرست شد و کاربران شبکه‌های اجتماعی انگار با آن کنار نیامدند. در ابتدا برخی کاربران پایچ شدن به نرگس آبیار را بی‌عدالتی دانستند و شاکی شدند که چرا دیگر فیلم‌ها را نقد حاشیه‌ساز نشده. اما در موج دوم اظهار نظرها برخی نکات یادآوری شد که موج ضد آبیار را توجیه می‌کرد. هنرمندی

نگاه

یک ویدئو کلی حاشیه

وقتی سحر، خوراکی پاپاراتزی‌ها می‌شود

آبان نامجو

منطقه مرجعه کند و رسماً پای این پاکبان عزیز را ببوسد و حتی باید حکم کنند، این خانم یک روز کامل به جای این پاکبان کار کند تا عبرت بشود و برای مزاح کردن راه‌دیگری پیدا کند.»

انتقادهای زیاد شد و فضای مجازی پر از فحش و الفاظ رکیک بود، تا این که خود سحر قریشی به میدان آمد و در اینستاگرام نوشت: «با افتخار اعلام می‌کنم در خانواده‌ای به دنیا اومدم که از همین قشر بودیم و هیچ وقت گذشته‌ی خودمو فراموش نمی‌کنم. من چند وقتیه به کلمه برو حساس شدم! به همین سسادگی اونم بخاطر اینکه خیلی وقته دوستانم و اطرافیانم دارن بهم توصیه می‌کنن که از

چهارشنبه هفته گذشته بود که انتشار ویدئویی از سحر قریشی که در آن خطاب به یک رفیق با لحنی طعنه‌آمیز صحبت کرده، حاشیه‌ساز شد. اولین واکنش متعلق به پرویز پرستویی بود و در اینستاگرام نوشت: «وقتی این صحنه رو از خانم قریشی دیدم خیلی حالم بد شد. چرا که مردم عادی هیچوقت با این مرد شریف و زحمتکش چنین برخوردی نمی‌کنند. نمی‌دونم ایشان در آن لحظه به این فکر نکردند که اگر این فیلم در دنیای مجازی منتشر بشه و خانواده‌اش پاکبان عزیز ببینند چه حالی خواهند داشت؟ به نظر من ایشان باید به آن